



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسوول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاکرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ – نامبار: ۸۸۶۴۳۲۲
www.sharghnwspaper.ir
نشانی اینترنتی:
سازمان آگهی‌ها: ۲۳۲۰۰۱۹۹
امور مشترکین: ۸۸۴۴۱۳۸-۲۴
توزیع: شرکت نوآوران جهان رسانه ایرسا –
تلفن: ۸۸۸۲۳۳۹۰
چاپ کلوز: جاده قدیم کرچ، فتح ۱۷، پلاک ۲۹ تلفن ۶۶۸۲۳۳۴۶

فینچر با دست پر از کلدن کلوب برگشت

گزارش‌اخر



دیوید فینچر یکشنبه‌شب از همه کارگردان‌هایی که امسال برای جایزه‌های بزرگر رقابت می‌کنند، پاره‌گرفت، کلوب و هشتمین دوره جوایز گلدن گلوب که در واقع درآمدی است بر جایزه اسکار، چهار جایزه‌اش را به فینچر هدیه کرد. جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم موزیکال به درام «حال بچه‌ها خوب است» رسید و آنت بنینگ برای این فیلم جایزه بهترین بازیگر زن موزیکال یا کمدی را نیز برد. کالدین فیئر برای بازی در «سخرانی پادشاه» بهترین بازیگر مرد درام معرفی شد. او در فیلم نقش جرج ششم پادشاه انگلستان را بازی می‌کند که در سال‌های منتهی به جنگ جهانی دوم به کمک یک گفتاردرمانگر بر لکنت زبان خود غلبه کرد. ناتالی پورتمن با تریل روانشناختی «قوی سیاه» جایزه بهترین بازیگر زن درام را به خانه برد. او در این فیلم نقش یک بالرین را بازی می‌کند که سر به جنون می‌گذارد. جایزه بهترین بازیگر مرد موزیکال با کمدی به پل جیمایتی برای «سرخه بارتی» رسید. هر دو جایزه بخش بازیگری همگی به فیلم «هشت‌زن» اعطا شد. کریستین بیل جایزه بهترین بازیگر مرد مکمل را برد و ملیسا لئو هم جایزه بهترین بازیگر زن مکمل را دریافت کرد. رابرت دونوو جایزه «سنسلبی دمیبل» یک عمر دستاورد را دریافت کرد. ریکی جرویز بازیگر، نویسنده و کارگردان برای دومین سال مجری مراسم گلدن گلوب بود.

درباره مراسم گلدن گلاب و پیش‌بینی اسکار آغاز دنیای نو



امریکا سرزمین نمایش است. در این کشور هر اتفاقی در وهله اول باید به یک نمایش بزرگ و پر مخاطب تبدیل شود که همه را سرگرم کند، حالا اتفاق هرچه می‌خواهد باشد. از انتخابات ریاست جمهوری گرفته تا برگزاری مراسم اهدای جوایز اسکار یا گلدن گلاب. هر نمایش آداب خود را هم دارد؛ همه سعی می‌کنند بخشی از این نمایش جهانی باشند، تب و تاب پیش‌بینی نتایج، تلاش برای دیدن زنده مراسم، بحث و بررسی آنچه اتفاق افتاده و مرور تاریخ مراسم. یکی از این آداب در خصوص مراسم سینمایی، یافتن قاعده‌ها و سنت‌هاست؛ اظهارنظرهایی نظیر کسانی که گوی طایری را می‌برند در شب اسکار دست خالی به خانه خواهند رفت. گلدن گلاب رویکرد روشنگرانه‌تری نسبت به اسکار دارد. گلدن گلاب پیش‌زمینه اسکار است. و پیش از اجرای هر مراسم زیاد نشیده می‌شود. اما در سال‌های اخیر گویا قواعد بازی و نمایش کمی تغییر کرده است. «آواتار» ساخته جیمز کامرون در شب مراسم گلدن گلاب مورد توجه قرار می‌گیرد اما اسکارهایی اصلی را کارترین بیگلو با درامی درباره جنگ عراق تصاحب می‌کند. بگلاردی قواعد را دوبار با هم مرور کنیم تا به تناقض سال‌های اخیر بی‌بریم، هرچه نباشد ما هم در این گوشه دنیا عضو اجتماع بازیگران اسکار نیست. اسکار باید منبع بزرگ درآمد و متقاعدان اهدا می‌شود و برندگان اسکار را اعضای آکادمی که دست‌اندرکاران سینما هستند انتخاب می‌کنند. پس انتظار این است که گلدن گلاب به فیلم‌های متفاوت روی خوش نشان دهد و در اسکار بخت فیلم‌های پر فروش و شناخته‌شده بلندتر باشد. اما این تمام داستان نیست. اسکار باید منبع بزرگ درآمد برای آکادمی هم باشد. واگذاری حق پخش مراسم اسکار و پولی که شبکه‌ها بابت آن می‌پردازند رابطه مستقیمی با تبلیغاتی دارد که حین مراسم از تلویزیون پخش می‌شود و تعداد تماشاگرانی که اجرای زنده مراسم را می‌بینند. آنها می‌خواهند فیلم‌ها و کارگردانی را در شب مراسم ببینند که شناسند، که فیلم‌هایشان را دیده‌اند، بابت رفتن به سینما پول داده‌اند و ستارگان محبوبشان در آن بازی می‌کنند و از طرف دیگر اسکار می‌تواند یاداشتی باشد برای تهیه‌کنندگان و فیلمسازانی که پول بیشتری به صنعت سینمای امریکا آورده‌اند. با این اوصاف برندگان اسکار در چند سال اخیر را به یاد بیاورید: «میلیون زافعشین»، «جایی برای پرمردها نیست»، «قصه رنج» و «رفشان». اینها با معیارهای پیشین هیچ شانس‌ی در اسکار نداشتند اما گویا معیارهای اعضای آکادمی بدو توجه می‌کرد. اینها گلدن گلاب را به نظر تلویزیون در انتظار فیلم‌ها و دوبه معروف هالیوود هستند، تغییر کرده است. آنها شاید به نظر منتقدان سینمایی زیادی توجه نشان می‌دهند (فیلم‌های اسکاری چند سال گذشته با بهترین فیلم‌های سال منتقدان نیویورک در تطابق کامل بود) این همان تناقض در رابطه گلدن گلاب و اسکار است. امسال هم گلدن گلاب به دیده سینمایی «شبکه اجتماعی» چهار جایزه داد که قابل پیش‌بینی بود. «شبکه اجتماعی» در تمام مجله‌های سینمایی و از نظر اکثر منتقدان بهترین فیلم سال گذشته میلادی بود که حالا در مراسم گلدن گلاب این نظر تایید شد. فینچر به رغم موفقیت ابتدایی آن‌کن هیچ‌گاه در اسکار ندرخشید و همیشه با حسرت سالان کدک تیه‌ر تا ترک کرد اما امسال شاید (تنها شاید) سال او باشد. نخستین دهه قرن جدید به پایان رسیده است.

در آغاز دهه دو اینترنت و دنیای مجازی پیمان دنیای نوین را برپا می‌کند. همه از سایت ویکی‌لیکس و ویس‌بک حرف می‌زنند و این مساله هیچ ربطی به اینکه بازیگران زندگی می‌کنیم ندارد. پس توجه به فیلمی درباره فیس‌بوک و خلقت طبیعی به نظر می‌رسد. شاید اسکار و گلدن گلاب هم قواعد گذشته را رها کرده‌اند و وارد دنیای نو شده‌اند. پس باید صبر کرد. تا پاسی از آزمون و خطاهای پاره‌پاره قوانین جدید را کشف کرد. پس برای همچنان ادامه دارد.



پیشهاد اول: درباره «روبای نوشتن» با ترجمه مژده دقیقی

نویسنده نه فرمانبر است، نه فرمانده

فریدون صدیقی



آنسان کم و بیش در صف خدمت مانده‌اند، چون نویسنده هستند، پس دروغگو نیستند، چون کم و بیش با شخصیت‌هایی زندگی می‌کنند؛ شخصیت‌هایی که من و شما نیستیم، گرچه بسیار مشهورتر از من و شما هستند. آنان نویسنده هستند و با شخصیت‌هایی که خود آفریده‌اند زندگی می‌کنند، شخصیت‌هایی که آینه شده‌ایم. چاپ سوم کتاب «روبای نوشتن» ترجمه ستودنی مژده دقیقی از ۱۴ مصاحبه و یک گزارش از شخصی با ۱۵ نویسنده جهانی را به تازگی خواندم، تا ظرفیت‌های ساختاری و تکنیکی مصاحبه را مرور کنم و محک بزنم، نه لزوماً برای آشنایی با دیدگاه نویسندگان چرا که برخی از آنان را به درستی نمی‌شناسم و آثاری از آنان را هم نخواندم. اما بقیه دیگر آشنا هستم و بارها گفت‌وگوهای مختلف و پراکنده‌ای از آنان خوانده‌ام. نتیجه مطالعه «روبای نوشتن» این بود: ۱- بیشتر مصاحبه‌ها در نظر تکنیکی ابراهادی جدی ساختاری دارد، ریتم و ترتیب و توالی در پرسش‌ها مخدوش است. مصاحبه‌کنندگان از سر شیفتگی و تسلیم رودرری مصاحبه‌شوندگان نشسته‌اند، همین است که پرسش‌ها پراکنده و گاه غیرضرور است و در نتیجه رازگشایی‌های محدود، اتفاق می‌افتد. که جای بحث اینجا نیست. گرچه اغالی می‌کنم اشاره‌ها - من‌جایه پیش‌پرسش‌ها - خوب، به حد ناهای و بسیار پر کشش و پرکرشمه است. ۲- مصاحبه‌شوندگان عموماً

در گذر زمان: تولد کری گرانت هورا برای یک بندهاز

احمد طالبی‌نژاد



چندی پیش، در یک آموزشگاه سینمایی، وظیفه آموزن هنرجویان داوطلب در رشته بازیگری بر عهده‌ام بود. با قطعیتی می‌گویم حتی یک نفر از داوطلبان که میلتگین سنی‌شان بیش از ۲۵ سال و ۳۰ سال بود، نامی از جان وین، گری کوپر، همفری بوگارت، کری گرانت و دیگر ستارگان سینمای کلاسیک امریکا و اروپا نشنیده بودند یا اگر هم شنیده بودند، نمی‌دانستند طرف بازیگر است یا کارگردان. خب البته برای ما که نوجوانی و جوانی‌مان همزمان با حضور این بزرگان عرصه بازیگری گذشته جای تاسف و شگفتی است. جالب اینکه بازیگر محبوب و آشنای این جوانان، اغلب جکی چان و جواد ضویان و اگر اندکی سلیقه داشته باشند، برد پیت هستند. چه می‌شود کرد. این نسل، سال‌های شکوه سینمای انسانی امریکا و اروپا را ندیده‌اند. سال‌های جان فورد، هیچکاک، هاکر، هیوستن، فلینی، دسیکا، پاژولینی، جوزف لوزی و سال‌هایی که قهرمانان فیلم‌ها «آدم» بودند، با پوست و گوشت و خون، نه آدم آهنی با موجودات هیولانوش. در آن دوران، ستاره‌های سینما هويت داشتند، سبک داشتند و صاحب قدرت تاپیر گزاری بودند. کسری گرانت یکی از ستارگان آن دوران بود که حدود ۵۰ فیلم در کارنامه‌اش دارد. انواع فیلم، از کم‌دی‌های جذابی مثل «بزرگ کردن بی‌بی» (۱۹۳۸) تا شاهکارهایی مثل «شمال از شمال غربی» (هیچکاک) و «معمّا» (استنلی دافن). در بین ایین حدود ۵۰ فیلم، تعدادی فیلم درجه یک، که درجه او البته چندنتایی شاهکار دیده می‌شود. کری گرانت هم مثل اغلب هم‌دوره‌هایش از جمله گری کوپر و جیمز استراتر نان فیلملم‌ها و کارگردانی استادانه برخی کارگردان‌هایی را که برایشان کار می‌کرد، می‌خورد. اما در مقام پیشه‌ای، میزان انعطاف‌پذیری او برای بازی در انواع نقش‌ها، بی‌شک، از آن دو بد. سابقه تناتری او در عرصه بازیگری سینما، بسیار به دردتش

گردون: کیارستمی با سینمای انسانی – عرفانی کیارستمی شد سوختن تر و خشک در شبکه آرماگدون

محسن سیف



اگر راست باشد که جایگاه ارزشی انسان با ترازوی تقوا وزن می‌شود، به خدا پناه می‌برم از وسوسه فریبکارانه اهریمن که برخی از ما آعمیان را به پیراهانی سوق می‌دهد تا خودبینانه، همه دیگر را زیر دریاقت‌های خود را عین حقیقت تصور کنیم. در برنامه سینمایی – سیاسی «راز آرماگدون» شبکه ۳، بعضی از دوستسان قابل احترام در تحلیل‌هایی غالباً تک‌ساحتی در کمال بی‌انصافی برخی از برداشت‌های خود را عین حقیقت یافته و از یک‌طرفه‌قه به قاضی رفتن خوش راضی و مغرورند. اول اینکه؛ هدفمندی «راز آرماگدون» کوچک‌ترین جای تردیدی ندارد، یعنی همه تحلیل‌های درست درباره اهداف سیاسی امپریالیسم جهانی از طریق پدیده سینما که سازندگان «راز آرماگدون» امروز به آن رسیدند، یکی برابر با اصل همان تحلیل و نگاهی است که صاحب این قلم و بعضی هم‌راهان است. سه دهه در نوشته‌ها و مقاله‌های خود بازتاب داده‌اند. «دزد حاضر و بر حاضر» با مرور دهها مقاله و نقد چاپ‌شده در سه دهه اخیر متوجه خواهیم شد که بیام جوهری این روز و اینجای برنامه‌ای از نوع راز آرماگدون هم‌پایان روشنگرانه‌ای است که حداقل ۲۰ سال قبل در نقد و نوشته‌های امثال این نگارنده بارها و بارها به آن پرداخته شده. هنوز هم هیچ شک و تردیدی در هدفمندی استحاله‌گر و تخریبی این‌گونه غالب سینما و هنر جهانی نداریم. اما... اما خیلی بی‌انصافی است که یک برداشت و تحلیل سلیقه‌ای از مفاهیم پنهان در مضمون و محتوای بعضی آثار برجسته سینمای ایران هويت همیشه وفادار و نگاه هنری صادقانه یکی از سربلندترین هنرمندان این ملک و ملت را زیر سوال می‌بریم. اگرچه حتی همین درک و برداشت هم قابل احترام است اما حقیقت تام و تمام دانستن این تلقی و تفسیر از ابتدایی‌ترین اصول صداقت و تقوا خیالی است. دوستان بزر گوارى که هیچ تردیدی در دیانت و تقوا و



سال پنجم شماره پیاپی ۱۱۶۴ شماره ۲۴۰ دوره جدید سه شنبه ۲۸ دی ۱۳۸۹ ۱۳ صفر ۱۴۳۲ ۱۸ ژانویه ۲۰۱۱

آخر

رازها و نشانه‌ها: هویت چیست

بُت عیار



در جوامع اسروری رفته‌رفته مفهوم هويت (اینهمانی) دستخوش تحولات عمیقی قرار گرفته و شاید بتوان گفت از دوره رواج فلسفه دیوید هیوم رو به فرسایش نهاده است. در فرهنگ امروزی ما فرد دیگر به عنوان شخصیتی واجد هويت و تعريف‌شده نیست، بلکه نمودار مجموعه‌ای است از تجربه‌های

از هم گسیخته‌ام! اما در عین حال متراکم، و به طور کلی می‌توان گفت مفاهیمی چون ژرفا، جوهر، انسجام و نظایر آن دیگر به عنوان آرمان‌های عقلی قلمداد نمی‌شوند و بنابراین در مورد فرد این گونه واژه‌ها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. فردریک جیمسون این پدیده را تحت عنوان «مرگ سوزه» مورد بحث قرار داده است و آن را به عنوان آموزه اصلی زمان ما معرفی کرده است. لذا شخصیت امروزی دیگر آن چهره آرمانی و قابل سرمشق نبوده و در گذر زمان هر روز به شکل و رنگی تازه ظهور و تجلی پیدا می‌کند. مهم‌ترین مصداق این معنا را می‌توان در چهره‌ها و شخصیت‌های برجسته امروزی مشاهده کرد؛ از هنرمندان گرفته تا سیاستمداران و نویسندگان لذا جادارد ما در مورد مفهوم هويت به تاملی تازه دست بزنیم و از کلیشه‌های فرهنگی در این مورد اجتناب کنیم چراکه روایت‌های کلان در مورد مفهوم هويت کارساز نیست. به طور کلی بعضی مدعی‌اند که بحث هويت امروزه بیش از آنکه بر عامل ثبات و پایداری تکیه داشته باشد بر عنصر دگردیسی، تحول و تغییر استوار است و چه بسا به نوع عده‌ای این مفهوم به طور کلی مستحیل شده است و همان گونه که روایت‌های کلان در زمان حال دستخوش فروپاشی قرار گرفته‌اند هويت نیز از این قاعده مستثنی نبوده است. لیوناتی می‌گوید: «آدمیان در زندگی روزمره خود در شبکه‌ای از ارتباطات و مناسبات درگیر می‌شوند و خود غافل‌اند که در گستره‌ای از روابط قدرت اسیر شده‌اند هرچند ممکن است تصور کنند هنوز هم عامل و قادر مطلق در مقدرات خویش‌اند.» یکی از متفکران معاصر دگلاس کلتر تفاوت میان هويت پیشین و هويت کنونی را به

درددل‌های غیررسمی: دوره طلایی موسیقی ایران

آثاری که سفارشی نیستند

کیوان ساکت



از موسیقی دوران طلایی ایران غافل نشوید. همه آهنگسازان، نوازندگان و خوانندگان ایران به اتفاق اعتقاد دارند که دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ که آلبوم‌های «منتشر شده دوران طلایی موسیقی ماست». بزرگانی چون روح‌الله خالقی، مرتضی محجوبی، رهی معیری، موسی معروفی، استاد بنان و... در خلق این آثار ماندگار سهمیه بوده‌اند. برنامه «گل‌های رنگارنگ، شماره ۲۵۴» از پخش‌های روح‌الله خالقی به مقیده من یکی از بهترین‌هاست. آثار مرتضی‌خان محجوبی و دیگران هم در همان برنامه‌های «گل‌های رنگارنگ» واقعاً خوشایند است. گوش دادن به این آثار را به دو دلیل مهم پیشنهاد می‌کنم اول اینکه با وجود گذشت سالیان دراز این آثار هنوز هم خاطر جان آدمی را به لطیف‌ترین شکل می‌نوازند و تازگی خود را از دست نداده‌اند، نکته دوم هم که شاید مهم‌تر از اولی باشد صداقت، شرافت و بار عاطفی است که در این آثار موج می‌زند. صداقت و شرافت گوهره وجودی موسیقی ایرانی را تشکیل می‌دهند که آثار دوره طلایی موسیقی ایران ملو از آن است. راستش گاهی

چشم انداز: درباره جشن «تصویر سال»

آخر سال، باز هم تصویر سال

سیف‌الله صدیانی



با خودم قرار گذاشته بودم که اجرای جشن تصویر سال بیش از شش ماه از وقت یک سال‌ام را نگیرد ولی عملاً با شاخ و برگ‌های فنی – هنری و رشد بی‌مان‌هنرمندان تصویر سالی کل یک سال رنگ و بوی تصویر سال را دارد و این یعنی فعلاً بقیه کارها و بقیه عوالم هنری و غیرهنری زندگی تعطیل! هشتمین جشن تصویر سال اما تفاوت‌هایی با دوره‌های قبلی دارد و در کنار تمام بخش‌های اصلی از دو سال پیش شکل مشخص‌تر و جدی‌تری به خود گرفته است. به ویژه با بخش رقابتی جوانان زیر ۲۵ سال در رشته‌های عکاسی، گرافیک، کاریکاتور و سینما و افزایش دور از انتظار ۱۶۰ نفر شرکت‌کننده در سال اول به ۱۶۰۰ نفر در سال هفتم، امسال علاوه بر بخش ویژه عکس‌ها و فیلم‌های موبایلی، بخش مسابقه و همچنین اکسپوزی نور را هم داریم که به نمایشگاه و فروش آثار عکاسی و نقاشی همزمان با جشن تصویر سال اختصاص دارد و با همراهی کانون نور بزرگ خواهد شد. یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های رانندازی این بخش ویژه امکان ایجاد تصمیم‌گیری برای آن دسته از شهروندان علاقه‌مند به هنر و نیز مجموعه‌داران و حتی شرکت‌های موسسات خصوصی و دولتی است که این امکان را داشته باشند تا تابلوهای نقاشی و عکاسی دلبخوا خود را از طریق یک اکسپوزی حرفه‌ای انتخاب کنند. داشتن یک تابلوی نقاشی یا عکس مناسب در خانه‌ها و... همیشه درگیری ذهنی جامعه علاقه‌مند به هنر بوده است و ما در این دوره سعی کرده‌ایم با ایجاد این فرصت در روزهای پایانی سال این خواسته‌های جامعه را برآورده کنیم. در اولین دوره «نور» و جلوه‌های نور در طبیعت و تبلور آن در هرآنچه می‌بینیم، موضوع اصلی کلیه آثار ارائه‌شده در اکسپوزی نور خواهد بود. اکسپوزی نور در سه بخش برندگان مسابقه هنرمندان زیر ۳۰ سال و آثار منتخب دیگر هنرمندان به همراه آثار هنرمندان منتخب و پیشگامان هنر نقاشی و عکاسی در ایران برگزار خواهد شد و در ادامه خبرهای قبلی سایت www.tassvir.com

برزیلی‌ها در تدارک بزرگداشتی برای کامران شیردل

بزرگداشت کامران شیردل مستندساز ایرانی با نمایش آثار و حضور او در هیات داوران این رویداد هنری در ماه فوریه ۲۰۱۱، ۱۱ تا ۱۹ بهمن‌ماه در شهر «آتیبایا» برگزار خواهد شد. همزمان فیلم‌خانه ملی برزیل در شهر «سانوپائولو» نیز با نمایش آثار شیردل به بزرگداشت و معرفی این مستندساز پیشکسوت ایرانی خواهد پرداخت. گفته می‌شود کامران شیردل هنگام حضور در این دو شهر چند کارگاه مستندسازی را برای دانشجویان و علاقه‌مندان تشکیل خواهد داد.

تهران: ازان ظهر ۱۲:۱۵ اذان مغرب ۱۷:۲۶ اذان صبح فردا ۵:۴۵ طلوع آفتاب ۷:۱۲

سیدعلی میرفتاح

mirfattah@yahoo.com

کروگدن نامه

رفیقی که بازاری است و با عدد و رقم سر و کار دارد و حساب و کتاب سرش می‌شود، اخیراً که بحث بدبینی‌ها و زیر بار قرض رفتن و مدیون بودن به این و آن پیش آمد، با اعتماد به نفسی که معلوم بود حاصل تجربه و مطالعه شخصی است، گفت: «اگر یک میلیون تومان بدهی داری، معقول است که کمی به فکر باشی و زودتر پول را جور کنی و دهان طلبکار را ببندی. اگر یک میلیون بدهی شد پنج میلیون، جا دارد کمی نگران شوی و برای تأمین آن روی دارایی نزدیکان درجه یک حساب باز کنی. وقتی بدهی‌ات به ۱۰ میلیون رسیدی، باید دلشوره بگیری و بیکاره در اوج خوشی و شادی به فکر فرو روی که چطور جواب طلبکار را بدهی. رقم بدهی اگر به صد میلیون رسید، منتظی است که از شدت نگرانی، شبها از خواب ببری و دست روی دست بزنی و لب پایینت را به دندان بگیری... حالا کسی سرزشت نمی‌کند که نه فقط روی بستگان نزدیک که روی دارایی بستگان درجه چند هم حساب باز کنی و از هر کس می‌رسد، پولی دستی بگیری که به زندان نینفتی. این نگرانی و بی‌خوابی و پریشان‌حالی، با بیشتر شدن رقم صد میلیون افزایش می‌یابد و گاهی منجر به غم‌باد و سکنه و تق‌مرگی می‌شود، اما کافی است که میزان بدهکاری به رقم یک میلیارد برسد که آنگاه و بیکاره همه پرده‌های رفتاری و دلشوره بپوشد. عیب آرامش‌طلب می‌روند و آرامش‌طلب به غریب سراسپای وجود بدهکار را دربرمی‌گیرد.» رفیق من می‌گفت که «توی مناسبات مالی ایران هر وقت رقم بدهیات به یک میلیارد رسید، هیچ کس حتی نمی‌تواند تخم‌مرغ یخچال خانه‌ات را بخورد یا برایت کوچک‌ترین دروسری درست کند. بزنی بر طبل بی‌عاری که حتی نمی‌توانند بگویند خرت به چند من؟ طلبکار بیچاره دستش به هیچ کجا بند نیست و از ترس سوخت نشدن طلبش حتی جرات نمی‌کند بگوید که بالای چشم ات بروست.» متأسفانه در میان اخبار مفاسد اقتصادی، جهش آمار بدهی‌های منتشر می‌شود که موند نظر رفیق باتجربه من هستند چه بسا رفیق من هم این تئوری‌اش را از روی همین اخبار و مطالعه عاقبت بدهکاران میلیاردی تنظیم کرده. به هر حال همپهین این موضوع نیاز به داشتن هوش و عقلی فراتر از عامه ندارد. نگاهی به دور و بر ببیندازد تا ببیند چه دردان و فاسدان و تبهکاران اقتصادی هم صادق است. واقعاً برای فهم این مطلب نیازی نداریم که شاهد از غیب بیاوریم. هر ساعت از شبانه‌روز کافی است سایت‌های اقتصادی را بالا و پایین کنیم تا ببینیم که چطور دست طلبکاران خصوصی دولتی در مقابل بدهکاران و دزدان میلیاردی بسته است. به

این خبری که توی سایت خبرآنلاین پیدا کردم توجه کنید: «یابرسئیس کمیسیون برنام و بودجه گفت که یک شرکت با زده و پنجاه مخفی و به دور از ضوابط قانونی ضمن اینکه موفق به دریافت وام ۱۲۰ میلیارد تومان از بانک شده و ضمن تواناوتی‌شان در برابر غول‌ها را سر چوجه موجه‌های گریافته کرده‌است.»دقت فرمودید چه اتفاقی افتاده؟ یعنی نتهت‌ناصل پول را برنگردانده، بلکه ۲۰ میلیارد دیگر هم خسارت گرفته. اگر شنیدید بدهکاران و خلافکارانی در این سطح دارند روی سیریل طلبکاران بفرایند، نه‌تن‌تعجب‌کنید اینها چنان‌اند هستند چش است و چنان مستطهر به رقم بالای وام‌شان هستند که می‌دانند زندان و قطع دست و تبعید و شلاق طلبکاران را به اصل و فرع پول‌شان نمی‌سازند. برعکس، اهل حسبه حرص اینها را هم سر دلدن‌زدها و خرده‌بدهکاران درمی‌آورند و ناتوانی‌شان در برابر غول‌ها را سر چوجه موجه‌های گریافته تلافی می‌کنند. ظاهراً خلافکاران بزرگ این توصیه شاعرانه را که «گر گنه می‌کنی اندر شب آیدنه یکن» تا که از صبرنشینان جهنم باشی» جدی گرفته‌اند و آن را در این دنیا و در برابر بیت‌المالی به کار بسته‌اند. تنها فرقی اگر هست این است که صبرنشینان در جهنم دنیا از شدت عذاب الهی است، در حالی که در دنیا، اینها واقعاً صبرنشینند و کسی حتی سیبل پرسروخستگی دزدان اقتصادی حرفی نیست، حرفی اگر بدست مشکلات قانونی یا مناسبات مالی مملکت ماست که دست دزد را باز گذاشته و پای محتسب را بسته است. واقعاً یک حالت عجیبی به آدم دست می‌دهد وقتی که می‌بیند دنگان خدایی بابت ۱۰ میلیون و ۲۰۰ میلیون و صد میلیون، دارند توی زندان می‌پوسند و چشم به دست خیرین مهربانی که کرد می‌کنند و وسیله اخلاص‌شان را فراهم کنند، و بعد دزدان گردن کلفتی که بر آنچه خورده‌اند، ۳۰ میلیارد هم خسارت طلب می‌کنند.

سکائس آخر

حذف شورای پروانه ساخت

جواد شمقدری در نامه‌ای به مدیر کل ارزشیابی و نظارت، خواستار معرفی دو نماینده صنف واد تهیه‌کنندگان و کانون کارگردانان به شورای پروانه فیلمسازی شد. روابط عمومی معاونت امور سینمایی اعلام کرد، معاون سینمایی وزیر ارشاد در این نامه با قدرانی از اهتمام و همدلی تهیه‌کنندگان برای راهاندازی صنف واحد پیشنهاد کرد طبق تبصره دلب ماده ۲۱بنامه بررسی پروانه فیلمسازی دو نماینده معاونت با معرفی نماینده جوانان فیلمساز کشورهای همسایه را می‌توانید بشماره می‌توانید گفت‌وگوهایی بخوانید با محمد سیداد، سیدمه هادی و ا. کیهان‌نیا. پنجره خلاقیت را می‌توانید با قیمت دو هزار تومان از روزنامه‌فروشی‌ها تهیه کنید.

راز تروتمندی در «پنجره خلاقیت»

مجله «پنجره خلاقیت» منتشر شد. در سرمقاله اشاره شده که این مجله اعتقاد دارد به اینکه دنیای درونی ما سازمانده دنیای بیرونی ماست و بهترین موقعیت‌ها نصب کسانی می‌شود که در مسیر بهترین شدن حرکت می‌کنند. در این شماره، گفت‌وگویی انجام شده است با پهلوز فرتون (بناگذار صنایع غذایی پهلروز، «قوانین طلایی تروتمندی» و ۱۲) کلید طلایی برای سلامت طولانی مغز» از عناوین دیگر این شماره. پنجره خلاقیت است. همچنین در این شماره می‌توانید گفت‌وگوهایی بخوانید با محمد سیداد، نمونه‌هایی از فیلم‌های جوانان فیلمساز کشورهای همسایه را به نمایش بگذاریم که جزئیات آن برماند برای بعد.